



The Waiting Community and the Requirements of Civilization-making from the Perspective of Ayatollah Khamenei

Qanbar Ali Samadi¹

Received: 12/01/2020

Accepted: 03/02/2020

Abstract

One of the important issues in Islamic thought is the issue of civilization and civilization making and the mission of the waiting community in this regard. Religious thinkers, due to its historical importance and its place in the future vision of the Islamic community have long considered this issue. Ayatollah Khamenei is one of the religious modern reformers who has considered this issue with a special comprehensiveness and deep thinking and has proposed the theory of "new Islamic civilization" to draw the attention of intellectual elites in Islamic community to this important issue. The present paper examines this issue from his viewpoint through analytical-descriptive method. According to Ayatollah Khamenei, the creation of a new Islamic civilization is a strategic and achievable goal, and the waiting community must make the realization of this important goal its main priority. In such a way that all the capacities of the Islamic community are used in this arena.

Ayatollah Khamenei, while explaining the process of formation of Islamic civilization, considered the most important mission of the waiting community in the contemporary era to be civilization making inspired by the ideal of Mahdavi civilization and enumerated some of the necessities of movement in this path. The most important requirements of civilization in the waiting community are: comprehensive view of the material and spiritual areas and needs of human beings, scholastic attitude towards civilization, paying attention to culture and religious institutions, institutionalization of Islamic lifestyle, inspiration from the ideal of Mahdavi civilization, universal view of the process of civilization, systematization and creation of legal structures, development of social justice, strengthening the economic foundations of society, avoiding imitation and self-destruction in the face of Western civilization, and so on.

Keywords

Requirements of civilization, modern Islamic civilization, Western civilization, the waiting community, Ayatollah Khamenei.

¹. Assistant professor, The International Research Institute, al-Mustafa University, Qom, Iran. Samadi313@gmail.com

جامعه منتظر و بایسته‌های تمدن‌سازی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی

قنبر علی صمدی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۴

چکیده

یکی از موضوعات مهم در تفکر اسلامی، مسئله تمدن و تمدن‌سازی و رسالت جامعه منتظر در این خصوص است. این مسئله به دلیل اهمیت تاریخی و جایگاه آن در چشم‌انداز آینده امت اسلامی، از دیرباز مورد توجه اندیشمندان دینی بوده است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) از جمله مصلحان نواندیش دینی است که با جامع‌نگری و ژرف‌اندیشی خاصی، این موضوع را مورد تأمل قرار داده و با طرح نظریه «تمدن‌نویین اسلامی»، توجه نخبگان فکری در جوامع اسلامی را به این مسئله مهم معطوف کرده است. مقاله حاضر با روش تحلیلی-توصیفی به بررسی این موضوع از منظر معظم‌له پرداخته است. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، ایجاد تمدن‌نویین اسلامی، یک هدف راهبردی و دست‌یافتنی است و جامعه منتظر باید تحقق این هدف مهم را اولویت اصلی خود قرار دهد؛ به گونه‌ای که همه ظرفیت‌های امت اسلامی در این راستا به کار گرفته شود. آیت‌الله خامنه‌ای، ضمن تبیین فرایند شکل‌گیری تمدن اسلامی، مهم‌ترین رسالت جامعه منتظر در دوران معاصر را تمدن‌سازی با الهام از آرمان تمدن مهدوی دانسته و برخی از بایسته‌های حرکت در این مسیر را برشمرده است. نگاه جامع به ساحت‌ها و نیازهای مادی و معنوی انسان، نگرش مکتبی به عرصه تمدن‌سازی، اهتمام به فرهنگ و نهادهای دینی، نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی، الهام‌پذیری از آرمان تمدن مهدوی، نگاه جهان‌شمول به پروسه تمدن، نظام‌سازی و ایجاد ساختارهای قانونی، توسعه عدالت اجتماعی، تقویت بنیان‌های اقتصادی جامعه، پرهیز از تقلید و خودباختگی در برابر تمدن غرب و... از مهم‌ترین بایسته‌های تمدن‌سازی در جامعه منتظر، بیان شده است.

کلیدواژه‌ها

بایسته‌های تمدن‌سازی، تمدن‌نویین اسلامی، تمدن غرب، جامعه منتظر، آیت‌الله خامنه‌ای.

۱. استادیار پژوهشگاه بین‌المللی جامعه المصطفی (ع)، قم، ایران. Samadi313@gmail.com

* صمدی، قنبر علی. (۱۳۹۹). جامعه منتظر و بایسته‌های تمدن‌سازی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای. فصلنامه علمی -

تخصصی جامعه مهدوی، (۱)، صص ۱۰۴-۱۳۱. Doi: 10.22081/jm.2020.58393.1015

مقدمه

یکی از ایده‌های بلندی که می‌تواند زمینه‌ساز پیشرفت و شکوفایی جامعه اسلامی شود، مسئله «تمدن‌سازی» و گام برداشتن در مسیر ایجاد «تمدن اسلامی» است. بدون شک تحقق این ایده، مستلزم درک صحیح از آموزه‌های دینی، آگاهی از ظرفیت‌های عظیم جوامع اسلامی و به‌کارگیری استعدادها و علمی، فرهنگی و جغرافیایی جهان اسلام در جهت ساخت بنای شکوهمند تمدن اسلامی در دوران معاصر است.

تمدن اسلامی، در پی تحقق تدریجی آرمان‌های بلند بشری با استفاده از فرصت‌های پدیدآمده در گذر زمان است. ما در عصری به سر می‌بریم که رشد روزافزون آگاهی بشر و پیشرفت‌های شگرف علمی، فرصت‌های زیادی را برای تمدن‌سازی پدید آورده است که می‌تواند در تسهیل و تسریع تمدن‌سازی اسلام، نقش مؤثر داشته باشد. تفکر دینی، با تکیه بر مزیت‌های ذاتی اندیشه تمدن‌ساز اسلام، این ظرفیت را دارد که نگرش موجود به مفاهیم و بنیادهای تمدنی در دوران معاصر را بازتعریف و نگاه‌ها را به سمت خواسته‌ای فراگیر و آرمانی همچون عدالت اجتماعی، رفاه همگانی و رشد مادی و معنوی انسان معطوف سازد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای - مدظله - از محدود اندیشمندان دینی در دوران معاصر است که از دیرباز در برابر این موضوع، عمیقاً دغدغه‌مند بوده و در بیانات خود مکرراً به طرح ایده تمدن اسلامی پرداخته است. این بزرگوار در سال‌های اخیر با ابتکار خاصی، مسئله تمدن اسلامی و ضرورت تمدن‌سازی را مورد توجه قرار داده و اهمیت و آثار این مسئله در جامعه اسلامی را تبیین کرده است. معظم‌له، بارها در نشست‌های بین‌المللی مانند کنفرانس اسلامی، مجمع تقریب مذاهب اسلامی، مجمع بیداری اسلامی و غیره، خطاب به سران کشورهای اسلامی و علمای جهان اسلام، مهم‌ترین نیاز امروز و فردای امت اسلامی را تمدن‌سازی و حرکت در این مسیر ذکر فرموده است. آیت‌الله خامنه‌ای، مهم‌ترین ویژگی جامعه منتظر را آرمان‌گرایی و اهتمام به تحقق اهداف تمدنی اسلام دانسته و هدف اساسی نظام جمهوری اسلامی را حرکت فراگیر علمی و علمی برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی برشمرده است.

نکته حائز اهمیت در این رابطه، توجه به اهمیت و آثار مسئله تمدن‌سازی، به عنوان مهم‌ترین نیاز جامعه اسلامی در این عصر است. پرسش اساسی در این خصوص، آن است که از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، رسالت جامعه منتظر در عرصه تمدن‌سازی چیست و الزامات گام برداشتن در این مسیر کدام است؟ مقاله حاضر، با تکیه بر نگرش راهبردی دیدگاه رهبر معظم انقلاب در این خصوص، به بررسی این موضوع پرداخته و به پرسش فوق پاسخ داده است.

۱. جامعه منتظر

اصطلاح «جامعه منتظر» که از دو واژه «جامعه» و «منتظر» ترکیب یافته، برگرفته از روایاتی است که غیبت امام مهدی علیه السلام و حالت انتظار جامعه اسلامی در این دوران را بازگو می‌کند؛ از این رو، فهم این معنا در موضوع مورد بحث، نیازمند تعریف این مفاهیم و تبیین وصف «انتظار» در کاربست این اصطلاح است.

۱-۱. چیستی جامعه منتظر

«جامعه» اسم عربی و مؤنث جامع است. در فارسی به گروهی از مردم که با هم وجه اشتراک داشته باشند، صنفی از مردم، اهل یک شهر یا یک کشور معنا شده است (عمید، ۱۳۸۹، ص ۳۹۲). کلمه «جامعه» در خصوص مجموعه‌های انسانی به کار می‌رود؛ از این رو، به مجموع انسان‌ها به لحاظ اشتراکات نوعی آنان در سازمان زندگی انسانی، «جامعه بشری» گفته می‌شود.

کلمه «منتظر» اسم فاعل باب افتعال و برگرفته از «انتظار» است. «منتظر» به کسی گفته می‌شود که چشم‌به‌راه و متوقع چیزی باشد. واژه «انتظار» در لغت، از ریشه «نظر» و به معنای چشم‌داشتن (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۱۹۸)، مراقب بودن (زبیدی الحسینی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۳۹) و مترصد بودن (بستانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۴۰) آمده است. واژگانی چون: «تأمل کردن» و «ترقب» (گردن کشیدن) و «تربص» (در کمین نشستن)، از مترادف‌های معنایی آن شمرده می‌شود.

در فرهنگ شیعی، اصطلاح «انتظار» و «منتظر» دارای معنای خاص؛ یعنی امید و اشتیاق به ظهور حضرت مهدی موعود علیه السلام است. مقصود از «جامعه منتظر» در موضوع بحث، همه کسانی اند که به ظهور حضرت مهدی علیه السلام اعتقاد دارند و عزت و آرمان بلند امت اسلامی را در پرتو ظهور او، قابل تحقق می دانند.

۱-۲. ویژگی های جامعه منتظر

جامعه منتظر به لحاظ گرایش های ایمانی و رویکردهای اجتماعی، دارای مختصات است که شناخت آن می تواند درک روشنی از بایسته ها و رسالت دینی جامعه منتظر در این عصر ارائه دهد.

در بیانات آیت الله خامنه ای، برای جامعه منتظر، ویژگی هایی بیان شده است که سیمای روحی روانی جامعه منتظر و اهداف و رویکردهای آن را ترسیم می کند. در این قسمت با استناد به فرمایش های رهبر معظم انقلاب، از میان ویژگی های یادشده درباره جامعه منتظر، به چند خصیصه مهم و بارز، اشاره می گردد:

الف. جامعه مؤمن: از دیدگاه آیت الله خامنه ای، نخستین و مهم ترین ویژگی جامعه منتظر، ایمان راسخ به پیروزی حق در مصاف با جریان باطل و تحقق حتمی وعده الهی (نور، ۵۵) مبنی بر محقق شدن عدالت فراگیر در پرتو ظهور منجی موعود حضرت مهدی علیه السلام است (خامنه ای، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷). این ویژگی مهم ایمانی و اعتقادی، پشتوانه فکری نیرومندی است که جامعه منتظر را در پیمودن راه آینده، مصمم و توانا می سازد (خامنه ای، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷) و آنان را در مبارزه با مستکبران عالم، مقاوم و شکست ناپذیر می نماید (خامنه ای، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷ الف).

آیت الله خامنه ای، با تأکید بر تأثیر شگرف عقیده به مهدویت در مقاوم سازی جامعه منتظر، این پشتوانه اعتقادی را موجب قوت قلب و استواری جامعه منتظر در مبارزه با مشکلات و موانع و تغییر شرایط اجتماعی بیان کرده (خامنه ای، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹ الف) و رمز پایداری جامعه منتظر در برابر ناملازمات را ایمان عمیق به وجود مقدس امام مهدی علیه السلام و احساس وابستگی به آن منبع نور، برشمرده است (خامنه ای، ۱۳۷۸/۰۹/۰۳). بدیهی است هر

اندازه این ایمان و اعتقاد در جامعه منتظر، عمیق و پرنسنگ باشد، آثار گسترده آن در افق‌های زندگی، بیشتر آشکار می‌شود.

ب. جامعه امیدوار: از دیگر ویژگی‌های بارز جامعه منتظر، امید به آینده درخشان و فرجام نیک تاریخ است. آیت‌الله خامنه‌ای، عقیده به ظهور منجی موعود را، موجب برانگیختن انگیزه و جوشش نور امید در دل‌های رمیمه بشر نسبت آینده می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰). از منظر رهبر معظم، وجود این عقیده امیدبخش و انگیزه‌آفرین، سرمایه فکری و پشتوانه عظیمی است که می‌تواند موانع را از سر راه پیشرفت و ترقی بردارد و جامعه را به حرکت و پیشرفت وادارد (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۲/۲۰). در تفکر آیت‌الله خامنه‌ای، اطمینان به آینده، کانون الهام‌بخشی است که موجب استحکام بنیان جامعه منتظر و مصونیت‌بخشی آنان از آسیب‌ها می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱۱/۱۸) و جامعه منتظر را به فتح قله‌های دوردست، مصمم می‌سازد (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰). آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم (۱۳۹۷/۱۱/۲۲)، نگاه خوشبینانه و امیدوارانه به آینده را یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی می‌داند که می‌تواند کلید گشودن همه قفل‌ها باشد و جامعه منتظر را از حالت رخوت، سستی نجات و به یک جامعه پیش‌رونده و نقش‌آفرین تبدیل کند (خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۰۷/۰۹).

ج. جامعه تلاش‌گر و نقش‌آفرین: خصیصه بارز دیگر در جامعه منتظر، پویایی و تلاش‌گری آنان در راستای هدفی است که در انتظار تحقق آن به سر می‌برند. در نگرش آیت‌الله خامنه‌ای، انتظار به معنای طلب گشایش و تلاش برای گشودن گره‌های فروبسته‌ای است که مانع پیشرفت و ترقی جامعه شده است (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷). وی انتظار را کلید واژه فهم دین و شاخصی برای حرکت جامعه منتظر به سوی تحقق اهداف والای اسلام می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸ الف) که فرارسیدن دنیای سرشار از مواهب مادی و معنوی و استقرار عدالت و برچیده‌شدن سیطره ظلم و ستم را برای بشریت نوید می‌دهد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸ الف).

در نظام فکری آیت‌الله خامنه‌ای، ایجاد تمدن اسلامی، یک آرزو و شعار نیست؛ بلکه یک واقعیت و سرانجام جاری در عینیت زندگی اجتماعی است که عزم جدی و

نقش آفرین امت اسلامی را می‌طلبد. به همین سبب تلاش برای بهبود وضع موجود و دست‌یابی به اهداف بلند را از الزامات تمدن‌سازی شمرده (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰)، ساخت تمدن اسلامی را در پرتو تلاش و مجاهدت مستمر، قابل تحقق می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۲/۱۱ الف). این نگرش، حس مسئولیت و تکلیف‌پذیری را در انسان برمی‌انگیزد و جامعه منتظر را به اقدام و عمل وامی‌دارد، تا اهداف مورد انتظار خویش را با تلاش پیوسته و فعال، محقق سازد.

د. جامعه هدف‌مند: از دیگر ویژگی‌های برجسته جامعه منتظر، داشتن هدف، دوراندیشی و نگاه راهبردی به ایده‌های بلند در آینده است. هر جامعه و ملتی که آرزو و نگاهش به افق‌های بلند، دوخته باشد و اراده و همتش، به اهداف دور دست معطوف باشد، آن جامعه، نه تنها به خواسته‌هایش دست می‌یابد، بلکه سرنوشت عموم جامعه بشری را متحول می‌سازد. در نگرش آیت‌الله خامنه‌ای، نگاه جامعه منتظر به افق آینده، نگاه آرمانی و حداکثری است. این نگاه، معطوف به تمدن مهدوی در عصر ظهور است و نقشه راه حرکت جامعه منتظر در آینده، بر پایه این الگوی آرمانی ترسیم می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۵۹/۰۴/۰۶)؛ همان آرمان بلند و بهجت‌انگیزی که همه نگاه‌ها را به خود جلب کرده، استعدادها و ظرفیت‌های تمام‌نشده‌ی انسان را به مرحله رشد و شکوفایی می‌رساند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸). این هدف‌گذاری دوراندیشانه، آینده‌باشکوهی را فراروی جامعه منتظر قرار می‌دهد و راه پیشرفت و تعالی را هموار می‌سازد.

۳-۱. رسالت تمدنی جامعه منتظر

یکی از موضوعات حائز اهمیت در سخنان آیت‌الله خامنه‌ای، توجه به رابطه انتظار و تمدن‌سازی و بیان رسالت دینی جامعه منتظر در این خصوص است. معظم‌له، مهم‌ترین رسالت جوامع اسلامی را ساختن دنیای مطلوب، و گام برداشتن در راستای ایجاد مراتبی از الگوی تمدن اسلامی در این عصر را نه تنها یک امر لازم، بلکه سرنوشت محتوم و اجتناب‌ناپذیر امت اسلامی می‌شمارد (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴). از دیدگاه وی، تمدن اسلامی در سطح کامل و آرمانی آن، تنها در پرتو حکومت جهانی مهدوی عصر ظهور اتفاق

می‌افتد (خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۰۱/۲۱)؛ اما مراتب نازله آن در این عصر و زمان نیز قابل پیاده‌شدن است (خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۰۱/۲۱) و افراد امت اسلامی می‌توانند به میزان تلاش خود در برپایی بنای تمدن اسلامی سهم بگیرند و متناسب با اقتضائات این دوران، الگوهای عینی تمدن اسلامی را محقق سازند (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۰۸)؛ به همین سبب آیت‌الله خامنه‌ای نه تنها جهت‌گیری کلی نظام اسلامی (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴)، بلکه آرمان بزرگ انقلاب اسلامی را تمدن اسلامی و آمادگی برای ظهور مصلح جهانی دانسته و رسالت خطیر نظام اسلامی در این عصر را نقش آفرینی در ایجاد فضای نوینی معرفی کرده است که بتواند زمینه‌های رشد و تعالی جامعه اسلامی را فراهم سازد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۶/۱۴). این نگرش راه‌گشا، می‌تواند انگیزه آفرین و نویدبخش افق‌های روشن برای حرکت تمدنی جامعه منتظر در آینده باشد.

۲. تمدن‌سازی

«تمدن‌سازی» به معنای ساخت تمدن و ایجاد سازه‌ها و عناصر شکل‌گیری تمدن است و مقصود از آن، تلاش علمی، هدفمند و همگانی برای ارتقای سطح زندگی و فراهم‌سازی زمینه‌های رشد مادی و معنوی جامعه اسلامی در همه عرصه‌هاست. هدف از تمدن‌سازی نیز، توانمندسازی جامعه اسلامی در ایجاد زندگی مطلوب است تا متناسب با رشد و بلوغ تدریجی انسان‌ها، قابلیت‌های اجتماعی آنان را در گذر زمان به فعلیت برساند و در هر دوره، متناسب با شرایط زمانی و مکانی، به نیازهای تمدنی حیات بشر پاسخ دهد.

از نگرگاه آیت‌الله خامنه‌ای، آموزه‌های دین اسلام، ذاتا تمدن‌آفرین است؛ به همین سبب این بزرگوار، توجه به فرهنگ پویای اسلامی و بهره‌مندی از ظرفیت‌های جوامع مسلمان برای بسترسازی و ایجاد تمدن نوین اسلامی را یک رسالت دینی معرفی کرده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۰۸). برای روشن‌شدن فهم این معنا، بایسته است مفهوم «تمدن» و اصطلاحات برگرفته از آن، تعریف شود تا رابطه این بحث با جامعه منتظر و بایسته‌های تمدن‌سازی، آشکار گردد.

۱-۲. تبیین بنیادهای مفهومی

واژه «تمدن» و مفاهیم ترکیبی برگرفته از آن مانند: «تمدن اسلامی»، «تمدن نوین اسلامی» و «تمدن سازی»، از بنیادهای مفهومی این بحث شمرده می‌شود که لازم است معنا و کاربردهای هر یک، اندکی تبیین گردد.

الف. تمدن: کلمه «تمدن» از باب تَفْعُل و به معنای تَخْلُق به آداب شهری است. «تَمَدَّنْ؛ أَيْ تَخَلَّقَ بِأَخْلَاقِ أَهْلِ الْمَدِينَةِ» (التحقیق، ذیل مدن). در زبان عرب، از آن به «الحضارة» تعبیر می‌شود که به معنای شهرها و جاهای آباد است (فراهیدی، ج ۳، ص ۱۰۱؛ ابن فارس، ج ۲، ص ۷۶). در فارسی «تمدن» به معنای شهرنشینی و آشناسدن با اخلاق و آداب زندگی شهری (معین، ۱۳۷۱، ج ۱، ۱۱۳۹)، تربیت اجتماعی داشتن و اقامت گزیدن در شهر (طوسی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۴؛ نفیسی، ۱۳۵۵، ص ۹۰۶؛ دهخدا، ۱۳۴۱، ص ۹۴۲) معنا شده است. وجه مشترک مفهوم لغوی تمدن، شکل‌گیری تجمع انسانی است که به ایجاد سازوکارهای شهری و پی‌ریزی اصول، قواعد و مقرراتی منجر گردد که حیات مادی و معنوی آنان را تعالی می‌بخشد (جمشیدی راد و ادیب بهروز، ۱۳۹۸، ص ۱۰۴).

در کاربرد اصطلاحی، «تمدن» ناظر به مرحله تغییر زندگی اجتماعی و برون‌رفت از وضعیت وحشی‌گری به حالت منظم مدنی است؛ به گونه‌ای که افراد یک ملت را برای یک زندگی قانونمند و مسئولیت‌پذیر آماده و توانا سازد (احمدی، ۱۳۸۸، ص ۲۱). همچنین در تعریف تمدن گفته شده است: تمدن، شبکه پایدار ساختارها و سیستم‌های معرفتی، قانونی و فرهنگی در مقیاس جمعی است که به دنبال پاسخ‌گویی به کل هر م نیازهای فردی و گروهی انسان‌ها می‌باشد (مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلامی: <http://isin.ir/node/2106>). این تعریف، یک تعریف معیاری، مبتنی بر دیدگاه ساخت‌گرا و معطوف به نیازها و اصالت فرد در ضمن جمع است. برخی تمدن را جنبه مادی و نمود عینی فرهنگ و ایدئولوژی دانسته‌اند (امیدی، ۱۳۹۷، ص ۳۵) طبق این معنا، حیات بشر از دو لایه معنوی و مادی، یا نرم‌افزاری و سخت‌افزاری شکل گرفته است که تمدن، همان بعد مادی و ساحت نازله حیات بشر است. بر اساس این تعریف، نگرش‌ها، طرز رفتارها و هر چیزی که انسان، آن را اندیشیده یا آفریده باشد، پدیده‌های فرهنگی شمرده می‌شود که

دربردارنده سنت‌ها و آیین‌ها، آداب و رسوم، قوانین نوشته و نانوشته انسانی، فناوری و هنرها و مانند آن است. این بعد نرم‌افزاری حیات انسان در خلق ساختارهای تمدنی و ارتقاء لایه‌های سخت‌افزاری زندگی بشر نقش اساسی دارد.

بنابراین تمدن را می‌توان نظامی اجتماعی دانست که خلاقیت فرهنگی را امکان‌پذیر می‌سازد و اجتماعات انسانی را قادر می‌کند بر پایه سنت‌ها و قوانین، جامعه نیرومندی را شکل دهند و به رشد و شکوفایی دست یابند.

ب. تمدن اسلامی: مراد از «تمدن اسلامی» مجموعه فعالیت‌ها و دستاوردهایی است که مسلمانان با الهام از آموزه‌های دین اسلام آن را در سرزمین‌های اسلامی ابداع کرده یا پرورش داده و به کار گرفته‌اند. این دستاوردها، ناشی از سبک زندگی و رفتار مبتنی بر تفکر اسلامی است که نمودهای عینی آن در سرزمین‌های اسلامی و محیط و فرهنگ مسلمانان، تجلی یافته است.

تمدن اسلامی، با محوریت قرآن و نهضت علمی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شهر مدینه بنیان نهاده شد و در زمان کوتاهی، توانست بخش‌های وسیعی از جغرافیای جهان را تحت تأثیر خود قرار دهد. تمدن اسلامی از همان آغاز، دیدگاه جهانی و فراملیتی داشت و هیچگاه خود را منحصر در یک قوم و نژاد نکرد؛ لذا در حوزه وسیع دنیای اسلام، اقوام مختلف به هم آمیختند. این ویژگی سبب شده است تمدن اسلامی، از تمدن‌های دیگر متمایز شود. آنچه امروزه تمدن اسلامی شناخته می‌شود، نتیجه و محصول بیش از چهارده قرن حضور تأثیرگذار اسلام در عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان است که کوشیده‌اند شئون زندگی خود را بر پایه اعتقادات و دستورات اسلامی تنظیم کنند.

بنابراین، تمدن اسلامی به لحاظ پیشینه، عمق و گستره، از ریشه‌دارترین، عظیم‌ترین و تأثیرگذارترین تمدن‌های تاریخ شمرده می‌شود؛ به گونه‌ای که تمدن اسلامی را می‌توان پایه‌گذار حرکت علمی و تمدنی بشر دانست.

ج. تمدن نوین اسلامی: اصطلاح «تمدن نوین اسلامی» ابتکار رهبر معظم انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای است که در سال‌های اخیر بارها مطرح شد و سپس از زبان

وی این اصطلاح در محافل علمی، مقالات و رسانه‌ها به تدریج گسترش یافت. رهبر انقلاب عمدتاً از اوائل دهه هشتاد تا کنون با تعابیر مختلفی همچون: «تمدن بین المللی اسلامی» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۸/۰۶)، «تمدن درخشان اسلامی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹ ج) و «تمدن نوین اسلامی» به طرح این موضوع مهم پرداخته و امروزه اصطلاح «تمدن نوین اسلامی» نزد اصحاب اندیشه، به یکی از مفاهیم کلیدواژه تبدیل شده است. اگر احیاناً پیش از آن، این اصطلاح در برخی مقالات (مهاجرانی، ۱۳۷۵، صص ۱-۶) عنوان شده، هرگز به صورت یک نظریه نظام مند و راهبردی مورد توجه نبوده است؛ از این رو، طرح ایده «تمدن نوین اسلامی»، از ابتکارات آیت‌الله خامنه‌ای شمرده می‌شود که به صورت هوشمندانه و هدفمند، آن را مورد عنایت قرار داده و بارها در اظهارات خویش در محافل داخلی (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳) و بین‌المللی (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۰۸)، بر لزوم اهتمام جوامع اسلامی به این مسئله مهم، تأکید نموده است.

آیت‌الله خامنه‌ای، در بیان مقصود خود از تعریف و شاحصه تمدن نوین اسلامی، می‌گوید: «تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۶/۱۴ ب)؛ «شاحصه اصلی و عمومی این تمدن، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹ ج) از این منظر، تمدن اسلامی، دارای مفهوم راهبردی است که به مراحل دست‌یابی جامعه اسلامی به رشد و تعالی و برخورداری از مواهب مادی و معنوی زندگی نظر دارد.

در کاربست این اصطلاح، تأکید آیت‌الله خامنه‌ای بر دو صفت «اسلامی» و «نوین» بودن، بیانگر ماهیت دینی این تمدن از یکسو و پویای آن از سوی دیگر است. وجه «اسلامیت» این تمدن، نگرش دینی حاکم بر آن است؛ زیرا روح تمدن اسلامی، حاکمیت دین در همه عرصه‌های حیات انسان است. در تمدن اسلامی، همه بنیادهای حیات اجتماعی، اعم از نگرش‌ها، رفتارها، گفتارها، ارتباطات، تعاملات داخلی و

خارجی، محصولات صنعتی و تکنولوژیکی و دیگر دستاوردهای مدنی مسلمانان، متأثر از عنصر دین و فرهنگ است. وجه «نوین» بودن این تمدن، ویژگی بالنده و مولد تفکر اسلامی در پاسخ‌گویی به نیازهای حال و آینده انسان و قدرت سازندگی آن است. مقصود از «نوین» بودن، گونه‌ای از تمدن‌سازی است که در بنیاد و شکل‌گیری آن، نیازهای جدید و نوظهور انسان و جنبه‌های تکاملی مدنیت اجتماعی، مورد توجه است. تمدن اسلامی، بدین سبب «نوین» و نوگراست که در پی ایجاد تغییر در همه ساحات زندگی فردی و اجتماعی و مدیریت همه پدیده‌های انسانی و طبیعی، متناسب با نیازها و اقتضائات شرایط و زمان است؛ از این رو، توجه به اقتضائات زندگی انسان در معنایابی تمدن نوین اسلامی، بسیار حائز اهمیت است.

بر این اساس، آیت‌الله خامنه‌ای نوگرایی و زایش تمدنی را از ویژگی‌های ذاتی تفکر اسلامی می‌داند: «تجدد و نوگرایی حقیقی و باز کردن میدان‌های تازه زندگی، مطلوب اسلام است؛ اصلاً اسلام این را از انسان خواسته» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴)؛ به همین سبب، وی نقطه مقابل چنین توصیفی از نوگرایی را، سلفی‌گری انحرافی و تحجر و مغایر با نگرش تمدنی اسلام دانسته، می‌افزاید: «سلفی‌گری، اگر به معنای تعصب و تحجر و خشونت میان ادیان یا مذاهب اسلامی ترجمه شود، با نوگرایی و سماحت و عقلانیت که از ارکان تفکر و تمدن اسلامی‌اند، سازگار نخواهد بود و خود باعث ترویج سکولاریسم و بی‌دینی خواهد شد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

۲-۲. امکان تمدن‌سازی

یکی از محورهای بحث در باب تمدن‌سازی، امکان تحقق این مهم در شرایط کنونی است. آیت‌الله خامنه‌ای، تمدن‌سازی و شالوده‌ریزی بنای تمدن اسلامی را ممکن می‌داند و اهتمام به این مسئله را از وظایف حتمی جامعه اسلامی می‌شمارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۸). از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، مهم‌ترین ثمره ایمان به مهدویت، باور به شکست حتمی جریان ظلم و قدرت‌های ستمگر در جهان و تغییر نقشه سیاسی دنیا به وسیله امت اسلامی است (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰)؛ از این رو، وی بر این باور است که ایجاد تمدن نوین

اسلامی، یک امر شدنی و دست‌یافتنی است و امت اسلامی می‌تواند با تکیه بر فرهنگ پویا و تمدن‌ساز اسلام، به تسخیر عرصه‌های علوم و فناوری پردازند و به پیشرفت‌های چشم‌گیری دست یابند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹ ج).

آیت‌الله خامنه‌ای، ایجاد تمدن اسلامی را نتیجه قطعی اراده و تلاش جامعه تمدن‌خواه معرفی می‌کند و دست‌یابی به اهداف بلند امت اسلامی را سرنوشت محتوم آنان می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴). نمود عینی امکان تمدن‌سازی در این عصر را می‌توان در تجربه انقلاب اسلامی مشاهده کرد. از این منظر، انقلاب اسلامی با اهداف آرمانی خویش فاصله طولانی دارد؛ اما با توجه به جهت‌گیری‌ها و کارکردهای ثمربخش آن در عرصه‌های مختلف، می‌تواند گام آغازین حرکت در مسیر تمدن‌سازی نوین اسلامی شمرده شود و زمینه‌ساز شکل‌گیری گام‌های جهشی برای ساخت بنای تمدن نوی اسلامی در آینده باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). بر این اساس، انقلاب اسلامی را می‌توان مهم‌ترین دلیل بر امکان‌سنجی تمدن‌سازی و ارائه الگوی عملی برای عینیت‌بخشی به نظریه تمدن نوین اسلامی دانست؛ رخداد مهم و تأثیرگذاری که می‌تواند الهام‌بخش سایر جوامع اسلامی شود و افق‌های روشن آینده را فراروی آنان قرار دهند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ضمن ممکن دانستن شکل‌گیری بنای تمدن نوین اسلامی، شاهد عینی گام برداشتن در این مسیر را تحقق نظام اسلامی و پیشرفت‌های چشمگیر آن در عرصه‌های مختلف، بیان کرده (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۸) و بر لزوم نقش‌آفرینی اقشار مختلف جامعه در ایجاد تمدن اسلامی، تأکید نموده است. وی با تکیه بر ظرفیت‌های تمدنی این انقلاب، رسیدن به قله‌های پیشرفت و تمدن را قابل تحقق می‌داند و معتقد است که این هدف بزرگ، در زمان کنونی محقق خواهد شد (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

۲-۳. فرایند تمدن‌سازی

تمدن، یک پدیده دفعی نیست؛ بلکه امری تدریجی است که تولد، زایش و تکامل آن، در گذر زمان و در یک فرایند طولانی پس از انباشت تجربه‌ها، سپری کردن دوره‌ها

و عبور از مسیرها و نظام‌های مختلف، به وجود می‌آید؛ از این رو کاروان تمدن بشر، پیوسته در حال حرکت به سوی پیشرفت و بالندگی است.

نگاه آیت‌الله خامنه‌ای نیز در باب «تمدن»، نگاه فرایندی است. وی در یک نگاه کلی، با توجه به تجربه انقلاب اسلامی، فرایند شکل‌گیری تمدن اسلامی را، پنج مرحله بیان کرده، می‌فرماید: «ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد، تشکیل دولت اسلامی است؛ مرحله بعد، تشکیل کشور اسلامی است؛ مرحله بعد، تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است و ما امروز در مرحله دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم و باید دولت اسلامی را ایجاد کنیم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۸/۰۶). این مراحل، دارای حلقات و زنجیره‌ای منطقی است که هر یک مترتب بر دیگری بوده، تکوّن، استمرار و تکامل هر مرحله، متأثر از مرحله پیشین است.

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، اولین مرحله در این فرایند، وقوع انقلاب اسلامی است که سر آغاز تغییرات بنیادین و ایجاد تحولات مثبت در جامعه شد (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸). این رخداد بزرگ، نخستین گام حرکت تمدنی اسلام را محقق ساخت (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۰۵/۲۹) و سنگ‌بنای تمدن شکوهمند اسلامی را پایه‌ریزی کرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳). مرحله دوم، ایجاد هندسه شکلی نظام اسلامی (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱ الف) و طراحی ساختار سیاسی مبتنی بر آموزه‌های دینی است (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲ الف). مرحله سوم، تشکیل دولت اسلامی است. این مرحله، ناظر مجموعه بایسته‌ها و شاخصه‌هایی است که باید در ساختار مدیریتی، رفتار کارگزاران و کارکردهای نظام اسلامی، تبلور یابد (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸). مرحله چهارم، تشکیل کشور اسلامی است. کشور اسلامی با بسط و گسترش اصول و ارزش‌های دینی و انسانی به وسیله دولت اسلامی پدید می‌آید. مرحله پنجم، تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است. این مرحله که ناظر به گسترش تمدن اسلامی از حصارهای دولت‌ها و کشورهاست، همه حیطه‌های جغرافیای جهان اسلام را در بر می‌گیرد (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۸/۱۱ ب). بدون شک عبور از کشور اسلامی به مرحله تمدن بین‌الملل اسلامی، کاری بس دشوار و عظیم است که بدون نگاه فرامنطقه‌ای و جهان‌شمول به عرصه‌های تمدنی اسلام و تعامل و همگرایی جوامع اسلامی، ممکن نخواهد بود.

۳. بایسته‌های تمدن‌سازی

«بایسته» صفت فاعلی، برگرفته از واژه فارسی «بایست» و به معنای: درخور، سزاوار، شایسته، مناسب، باید، ناگزیر و آنچه موردنیاز است (انوری، ۱۳۸۲ ص ۸۲۰). کلماتی همچون: ضرور، ضروری، لازم، واجب، مستلزم، مقتضی و مانند آن، از مترادف‌های مفهومی این واژه در زبان عربی است. عنوان «بایسته‌ها» ناظر به امور الزامی یا اولویت‌داری است که با ساخت تمدن، مصداق می‌یابد. مراد از «بایسته‌های تمدن‌سازی» در موضوع بحث، توجه جامعه منتظر به ضرورت‌ها و اقتضائات تمدن‌سازی در عرصه‌های علم، فرهنگ، اخلاق، سیاست، اقتصاد، هنر و... برای تحقق رسالت تمدنی خویش است.

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، تحقق ایده تمدن اسلامی در عصر انتظار، الزاماتی را می‌طلبد که در بعد ظاهری و محتوایی، باید مورد توجه جامعه منتظر و تمدن‌خواه قرار گیرد. وی در یک بیان کلی، مجموعه اقداماتی را که به عملیاتی‌شدن ایده تمدن نوین اسلامی می‌انجامد، این‌گونه بر می‌شمارد:

آرایش ظاهری این تمدن را در حکومت مردمی، در قوانین برگرفته از قرآن، در اجتهاد و پاسخ‌گویی به نیازهای نوبه‌نوی بشر، در پرهیز از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، در ایجاد رفاه و ثروت عمومی، در استقرار عدالت، در خلاص‌شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر، در گسترش اخلاق انسانی، در دفاع از مظلومان عالم، و در تلاش و کار و ابتکار، باید مشاهده کرد. نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی، از اقتصاد و بانکداری تا تولید و فناوری، از رسانه‌های مدرن تا هنر، سینما، روابط بین‌الملل و غیره، همه از لوازم این تمدن‌سازی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹ ج).

این الزامات، حوزه‌های مختلف نگرشی، گرایشی و رفتاری جامعه را در بر می‌گیرد که در ادامه برخی موارد مهم، به اختصار بیان می‌شود.

۱-۳. نگاه جامع به ساحت‌های حیات انسان

نخستین بایستگی ایجاد تمدن در عصر انتظار، نگاه جامع به ساحت‌های وجودی انسان و توجه به نیازهای مادی و معنوی او در عرصه‌های زندگی است. اسلام بر خلاف تفکرات مادی-نگرش چندساحتی به انسان و خاستگاه تمدنی او داشته، با نگاه جامع به ابعاد گوناگون حیات انسان، به نیازهای مادی و معنوی و شئون تمدنی او عنایت ویژه دارد. این نگرش، پایه و اساس حرکت تمدنی جامعه اسلامی به سمت حیات طیبه، شمرده می‌شود. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، اسلام در پی رشد و اعتلای انسان در همه ابعاد زندگی است:

نظام اسلامی، علاوه بر اینکه هدف‌هایی بالاتر از هدف‌های مادی دارد، همچنین اصرار دارد که روح و دل انسان می‌باید از یک صفا و تامل و نورانیت و برادری و فداکاری در برابر انسان‌های دیگر و عبودیت و بندگی و اخلاص در برابر خدای متعال برخوردار باشد. اسلام و سایر ادیان الهی، این را برای مردم می‌خواهند... این حیات طیبه است (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۰۱/۲۹).

بنابراین، تمدن‌سازی و بنیاد تمدن اسلامی، بر پایه رشد متوازن انسان و پاسخ‌گویی به همه نیازهای او، بنا نهاده شده است.

۲-۳. نگرش دینی و مکتبی به عرصه تمدن

دومین بایستگی تمدن‌سازی در جامعه منتظر، نگرش دینی در این عرصه است. در اندیشه دینی، جنبه‌های محتوایی تمدن، بیش از جنبه‌های فیزیکی و سخت‌افزاری آن، مورد توجه است؛ زیرا آنچه تمدن آفرین است، علم و بینش مکتبی است؛ از این رو آیت‌الله خامنه‌ای، درباره اهمیت تفکر مکتبی و نقش بنیادین ایدئولوژی در ساخت تمدن اسلامی، می‌فرماید: «پایه اصلی تمدن، نه بر صنعت و فناوری و علم، که بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۰۱/۰۱ الف). «بدون داشتن یک مکتب، بدون داشتن یک فکر و یک ایمان، و بدون تلاش برای

آن و پرداختن هزینه‌های آن، تمدن‌سازی امکان ندارد... هیچ ملتی بدون دارا بودن یک فکر و یک ایدئولوژی و یک مکتب، نمی‌تواند تمدن‌سازی کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳). لازمه چنین نگرشی، پذیرش اصول و ارزش‌های دینی و انسانی و انطباق رفتار و منش جامعه اسلامی با قواعد دینی است؛ از این رو، آیت‌الله خامنه‌ای، ضرورت نگرش دینی در حوزه اخلاق، حقوق، ارتباطات و غیره را از الزامات تمدن‌سازی شمرده، می‌گوید: «ما باید جهت خودمان را، جهت اقامه حدود اسلامی قرار بدهیم. باید اندیشه اسلامی گسترش پیدا کند» (خامنه‌ای، ۱۳۵۹/۰۴/۰۶). «اگر انسان، راه خدا را پیدا کرد و یاد گرفت که چگونه کار را برای خدا انجام دهد، می‌بیند که این عشق به کار، چقدر کار را آسان خواهد کرد. تمدن اسلامی، این‌گونه به وجود آمد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۰۶/۲۹).

۳-۳. الهام‌پذیری از الگوی تمدن مهدوی

از دیگر بایستگی‌های تمدن‌سازی در عصر انتظار، الهام‌پذیری از الگوی تمدن مهدوی است؛ زیرا جامعه منتظر، به دلیل پیوند با مهدویت، با این هویت شناخته می‌شود و تمدن آرمانی مهدوی را نقشه راه آینده خود در رویکرد به آینده می‌داند:

نقشه حرکت جهان معلوم است؛ حرکت به سمت آن جامعه آرمانی و مقدمه‌سازی برای تحقق آن. از آدم تا حضرت خاتم صلی الله علیه و آله همه انبیا آمده‌اند برای نزدیک کردن بشر به جامعه مهدوی. و هر حرکتی که به نزدیک شدن به آن جامعه بینجامد، گامی است در راستای تحقق و رسیدن به آن (خامنه‌ای، ۱۳۵۹/۰۴/۰۶).

«تمدن حقیقی اسلامی و کامل‌ترین تمدن اسلامی در دوران ظهور که بزرگ‌ترین تحول است، صورت می‌گیرد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴). بر این اساس، رهبر معظم انقلاب، بر لزوم الگوپذیری از آموزه‌های تمدنی نظام مهدوی برای ساختن فضای زندگی مطلوب در این عصر و زمان تأکید کرده، جامعه اسلامی را به الهام‌پذیری از نمادها و شیوه‌های تمدن‌سازی مذکور در روایات مهدوی، فرامی‌خواند:

وقتی در روایات مهدوی صحبت از مساوات و برابری و عدم تبعیض هست، وقتی

سخن از ابتکار و خلاقیت هست... این در حقیقت به ما الهام می‌دهد که اگر قبل از آن روز موعود خواستید یک جامعه‌ای بسازید، یک دنیایی بسازید، باید بر طبق آن الگو بسازید، باید چیزی شبیه آن روز برای خودتان به وجود بیاورید، تا بتوانید در روند حرکت تاریخ به سمت آنچنان دنیایی قرار بگیرید (خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۰۱/۲۱).

این الگوی تمدنی، می‌تواند در حوزه‌های مختلف اخلاق، فرهنگ، سیاست، حکومت، اقتصاد و غیره مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس، آیت‌الله خامنه‌ای بر لزوم الهام‌پذیری جامعه اسلامی از ویژگی‌های تمدن مهدوی که در روایات مطرح شده، تأکید می‌کند و معتقد است تمدن اسلامی اگر چه در سطح آرمانی و کامل آن، فقط در عصر ظهور و در پرتو حکومت جهانی مهدوی اتفاق می‌افتد (خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۰۱/۲۱)، مراتب نازله آن در این عصر و در جهان امروز نیز قابل پیاده‌شدن است و امت اسلامی می‌تواند با تلاش خود در برپایی بنای تمدن اسلامی سهم بگیرند و متناسب با اقتضانات این دوران، الگوهای عینی تمدن اسلامی را عینیت بخشند (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۰۸).

۳-۴. نگاه آرمان‌گرایانه به فرایند تمدن

نگاه حداکثری و آرمان‌گرایانه به ایده‌آل‌های بلند بشری، از دیگر بایسته‌های جامعه تمدن‌ساز شمرده می‌شود. بدون شک، هر اندیشه و مکتبی که انگشت اشاره آن به سوی افق‌های دوردست نشانه رفته باشد و دارای اهداف و خواسته‌های بلند باشد، آن ایده و مکتب می‌تواند در راستای تحقق آرمان‌های تمدنی انسان گام بردارد؛ زیرا چگونگی تمدن، تابع نوع تلقی ما از مطلوب‌ها و طرح و نقشه برای تحقق آن مطلوب‌هاست. در نگرش تمدنی اسلام، نماد کامل تمدن اسلامی، تمدن آرمانی مهدوی است که دورنمایی از آرمان‌های متعالی بشر در آن تجلی می‌یابد (توبه، ۳۳)، اداره جهان به دست صالحان و متقیان سپرده می‌شود (انبیاء، ۱۰۵)، دست ستمکاران کوتاه می‌گردد (قصص، ۵-۶) و زندگی سعادت‌مندانه شکل می‌گیرد (اعراف، ۱۲۸)؛ به همین سبب، رهبر معظم انقلاب، نقش‌آفرینی مؤثر در فرایند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی و ایجاد آمادگی برای ظهور مصلح جهانی را آرمان بزرگ انقلاب اسلامی معرفی کرده، می‌گوید: «امت اسلامی با

تلاش مجاهدانه و مجدّانه می‌تواند تمدن اسلامی باب این دوران را طرّاحی کند، شالوده‌ریزی کند، به ثمر برساند و آن را در مقابل بشریت قرار بدهد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). از این منظر، نگاه آرمان‌گرایانه و هدف‌مند به موضوع تمدن، مهم‌ترین عامل برانگیزاننده جامعه اسلامی، برای تلاش و حرکت به سمت اهداف تمدنی است.

۳-۵. رویکرد جهان‌شمول به پروسه تمدن‌سازی

از دیگر بایسته‌های ایجاد تمدن اسلامی، رویکرد فراگیر و جهان‌شمول به مسئله تمدن و پروسه تمدن‌سازی است. در نگرش آیت‌الله خامنه‌ای، نگرش جهانی و آمادگی برای انجام وظیفه در عرصه‌های بین‌المللی، از لوازم انتظار حقیقی شمرده می‌شود:

انسان مؤمن و منتظر، آن کسی است که در حال «آماده‌باش» است. اگر امام شما که مأمور به ایجاد عدالت و استقرار عدالت در کلّ جهان است، امروز ظهور بکند، باید من و شما آماده باشیم. اگر بخواهیم این جور عمل بکنیم، طبعاً نمی‌توانیم به عمل فردی اکتفا کنیم. در محیط جامعه، در محیط کشور، در محیط جهانی هم وظایفی هست که باید انجام بدهیم؛ این همان چیزی است که نیاز دارد به بصیرت، نیاز دارد به معرفت، نیاز دارد به نگرش جهانی (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۰۲/۲۰).

در این نگاه، که الهام گرفته از ایده مهدویت است، آینده متعلق به همه انسان‌هاست (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۵/۲۷)؛ همان گونه که نجات‌بخش پایان تاریخ، به همه اقشار جامعه انسانی در سراسر عالم تعلق دارد (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷ الف).

۳-۶. نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی

یکی دیگر از الزامات تمدن‌سازی در جامعه اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی در ساحت‌های فردی و اجتماعی است. وی با تقسیم ساختار تمدن اسلامی به دو بخش ابزاری و حقیقی، مسئله سبک زندگی را به عنوان بخش حقیقی و اصلی تمدن اسلامی شمرده، می‌گوید:

ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم؛ این تمدن

نوین دو بخش دارد؛ یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید. بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به‌عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ این‌ها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است...؛ اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد که همان سبک زندگی است. این‌ها آن بخش‌های اصلی تمدن است که متن زندگی انسان است (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

آیت‌الله خامنه‌ای، معیار داوری درباره نزدیکی جامعه به هسته تمدن اسلامی را توجه به ابعاد حقیقی تمدن و میزان هویت‌سازی و تحقق سبک زندگی دینی در جامعه بیان کرده، می‌فرماید:

قضاوت درباره یک تمدن، مبتنی بر اینهاست. نمی‌شود یک تمدن را به صرف اینکه ماشین دارد، صنعت دارد، ثروت دارد، قضاوت کرد و تحسین کرد؛ در حالی که در داخل آن، این مشکلات فراوان، سراسر جامعه و زندگی مردم را فرا گرفته. آن‌ها ابزاری است برای اینکه این بخش تأمین شود... اگر ما به این مقولات به‌طور جدی نپردازیم، پیشرفت اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

۳-۷. نظام‌سازی و ایجاد ساختارهای قانونی

تمدن‌سازی، مستلزم نظام‌سازی و التزام به قانون است. تمدن، بدون مدنیت و قانونمندی، غیرممکن است و اساساً تمدن‌سازی در تبعیت از قانون، معنا و عینیت می‌یابد. بر این اساس، در نگرش آیت‌الله خامنه‌ای، عینیت بخشی به تمدن، مستلزم نظام‌سازی، تدوین قوانین و نهادینه‌شدن اصول و قواعدی است که ساختارها را معین می‌کند و به مدنیت و حیات اجتماعی، انسجام می‌بخشد. بدون نظام‌سازی، امت اسلامی امکان نقش‌آفرینی مؤثر در این راستا را نخواهند داشت؛ از این رو، اسلام در بدو تولدش

در پی بنیادسازی یک نظام و ساختار صحیح بوده است:

اسلام از روز اولی که به وجود آمد، با یک مبارزه دشوار، به سمت تشکیل یک نظام و یک جامعه حرکت کرد... دین اگر با قدرت همراه شود، خواهد توانست گسترش و بسط پیدا کند؛ اهداف و آرزوهای دینی را تحقق ببخشد و آرمان‌هایی را که دین شعار آن‌ها را می‌داده است، در جامعه به وجود آورد. این‌ها بدون قدرت امکان ندارد؛ با قدرت ممکن است؛ بنابراین پیغمبران هم دنبال تشکیل حکومت بودند (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۰۹/۱۹).

بر این اساس، آیت‌الله خامنه‌ای، با اشاره به حرکت بیداری اسلامی در جهان عرب، نظام‌سازی و ایجاد نهادهای قانونی در جامعه را از الزامات تمدن‌سازی اسلامی ذکر کرده، در رهنمودی به سران جوامع اسلامی می‌فرماید: «مسئله اصلی شما، چگونگی نظام‌سازی، قانون‌نویسی و مدیریت کشور و انقلاب‌ها خواهد بود؛ این همان مسئله مهم تمدن‌سازی اسلامی مجدد در عصر جدید است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

۳-۸. عدالت‌گرایی

یکی دیگر از مهم‌ترین الزامات تمدن‌سازی در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، تلاش برای بسط عدالت در جامعه است؛ زیرا «بزرگترین آرمان بشر از اول تاریخ انسان تا امروز، آرزوی تحقق عدالت است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۹/۲۹). «در تمام آثار دینی که شما نگاه می‌کنید، هدف و غایت برای حرکت جامعه اسلامی، تشکیل جامعه عادلانه است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۰۶/۰۳).

در نگرش آیت‌الله خامنه‌ای، تحقق عدالت اجتماعی، مستلزم تشکیل حکومت و در اختیار داشتن عوامل قدرت است:

با زبان نصیحت، عدالت در هیچ نقطه عالم مستقر نمی‌شود. استقرار عدالت، چه در سطح جهانی و چه در همه بخشهای دنیا، احتیاج به این دارد که مردمان عادل و انسان‌های صالح و عدالت‌طلب، قدرت را در دست داشته باشند و با زبان قدرت با زورگویان حرف بزنند. با کسانی که سرمست قدرت ظالمانه هستند، نمی‌شود با زبان

نصیحت حرف زد؛ با آن‌ها باید با زبان اقتدار صحبت کرد (خامنه‌ای ۱۳۸۱/۰۷/۳۰).
 آیت‌الله خامنه‌ای، ریشه اصلی رویکرد منفعلانه جوامع اسلامی را، نگرش جدایی
 دین از سیاست می‌داند: «اگر نظام سیاسی کشور بر پایه شریعت اسلامی و تفکر اسلامی
 نباشد، امکان ندارد که اسلام بتواند با ستمگران عالم، با زورگویان عالم، با زورگویان
 یک جامعه، مبارزه واقعی و حقیقی بکند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۳/۱۴). «آنچه می‌تواند قدرت‌ها
 را مهار و تهدید کند و در برابر ظلم و فساد مقاومت نماید و ریشه آن را برکند یا آن را
 متزلزل سازد، قدرت الهی و اسلامی است؛ قدرت سیاسی‌ای است که در اختیار احکام
 اسلامی باشد» (خامنه‌ای ۱۳۸۱/۰۷/۳۰).

۳-۹. پیشرفت علمی

از دیگر بایسته‌های تمدن‌سازی در این عصر، رشد علمی و استفاده از رهاوردهای
 نوین دانش بشری در جهت ارتقای سطح فرهنگ و بهبود شرایط زندگی جامعه است.
 تمدن، با علم و دانش مأنوس است و جامعه‌ای که می‌خواهد در مسیر تمدن و پیشرفت
 قدم بردارند و به آرمان‌های خود دست یابد، باید پیشرفت علمی داشته باشد. در غیر این
 صورت، همواره نیازمند دیگران خواهد بود و نمی‌تواند باورها و ارزش‌های خود را
 محقق سازد.

آیت‌الله خامنه‌ای، اساس پیشرفت تمدنی جامعه اسلامی را علم و دانش بیان کرده،
 می‌فرماید: «تمدن اسلامی به برکت حرکت علمی که از روز اول در اسلام شروع شد، به
 وجود آمد. هنوز دو قرن به‌طور کامل از طلوع اسلام نگذشته بود که حرکت علمی
 جهش‌وار اسلامی به وجود آمد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۷/۰۵). وی درباره ضرورت، پیشرفت
 علمی و نقش علم در اقتدار و ترقی جامعه، می‌فرماید: «علم، پایه پیشرفت همه‌جانبه یک
 کشور است. این حدیث را من یک وقتی خواندم: «أَلْعِلْمُ سُلْطَانٌ؟» علم، قدرت‌آفرین و
 مایه اقتدار است. هر کس این اقتدار را داشته باشد، می‌تواند به همه مقاصد خود دست
 پیدا کند. علم برای ما به عنوان یک پیشرفت حتماً لازم است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).
 جامعه اسلامی، آنگاه می‌تواند منبع جوشش علم و آگاهی باشد که بنیان‌های اجتماعی

را بر پایه علم و دانش، استوار سازد: «جامعه منتظر، نیاز به پیشرفت علمی و رشد فکری دارد تا بتواند قوی و مقتدر و آزاد از سلطه دشمنان، برای زمینه‌سازی دولت کریمه، گام‌های مؤثر بردارد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰).

۳-۱۰. تقویت بنیان‌های اقتصادی

از دیگر الزامات تمدن‌سازی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، پیشرفت اقتصادی و فراهم سازی زمینه‌های بهبود معیشت و آسایش عمومی در جامعه اسلامی است: «تمدن و فکر اسلامی، پیشرفت مادی را می‌خواهد... آن کشور و جامعه‌ای که مورد نظر اسلام است، باید هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی، پیشرو باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰). «در نظام اسلامی، رفع فقر و محرومیت، در شمار هدف‌های طراز اول است و پایبندی به اصول انقلاب، بدون مجاهدت در راه نجات مستضعفان و محرومان، سخنی بی‌معنا و ادعایی پوچ است» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۰۳/۱۰). «اسلام به همان اندازه که به معنویت مردم، به اعتلای روحی و معنوی مردم اهمیت می‌دهد، به گشایش زندگی مردم، به پیشرفت رفاه مردم، به اینکه در جامعه هیچ کس دست نیازی به سمت دیگران دراز نکند و نیازی نداشته باشد، به آن هم اهمیت می‌دهد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۰۸/۱۴). این تأکیدات برای آن است که حصول عزت و کرامت امت اسلامی در جهان، بدون پیشرفت مادی و غنای اقتصادی، ممکن نخواهد بود.

۳-۱۱. پرهیز از تقلید و خودباختگی در برابر تمدن غرب

یکی از مهم‌ترین الزامات حرکت جامعه اسلامی در عرصه تمدن که در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، مورد تأکید قرار گرفته، پرهیز از خودباختگی در برابر فرهنگ غرب و عدم تقلید از الگوی مادی تمدن غربی است. به عقیده وی، جامعه منتظر برای وصول به آرمان و اهداف خویش، باید از فرهنگ مهاجم غرب که اساس بنیان‌های اجتماعی و دینی و ملی را از بین می‌برد به شدت اجتناب کند؛ زیرا تمدن مادی غرب که با کشاندن افراد به سمت پوچ‌گرایی، شهوت‌پرستی و انواع فسادها شکل گرفته است، هرگز قابل

اعتماد نمی‌باشد: «شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین در درجه اول، این است که از تقلید غربی پرهیز شود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳). «برای ساختن تمدن نوین اسلامی، به شدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روش‌های زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملت‌ها تحمیل کنند. امروز مظهر کامل و تنها مظهر این زورگویی و تحمیل، تمدن غربی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، توسعه حاصل از تمدن غرب، به دلیل نبود سازوکار تحقق «عدالت» در ساختار آن، ثروت و ثروتمندان را افزون و قدرت قدرتمندان را بیش‌تر خواهد کرد:

ما اگر دنبال پیشرفت هستیم و پیشرفت علمی را شرط لازم پیشرفت عمومی کشور می‌دانیم، توجه داشته باشیم که مراد ما از پیشرفت، پیشرفت با الگوی غربی نیست؛ پیشرفت کشورهای غربی نتوانست فقر و تبعیض را از بین ببرد، نتوانست عدالت و اخلاق انسانی را در جامعه مستقر کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۵/۱۵).

از این رو، مخالفت با تمدن غرب به معنای مخالفت با علم نیست؛ چرا که اسلام بیش از غرب به علم و تمدن بها داده است: «مخالفت مؤمن به اسلام با تمدن غربی به سبب پیشرفت علمی و مبارزه با خرافات و علمی کردن همه روابط اجتماعی نیست؛ به سبب خلأ معنویت و فضیلت در این مجموعه دنیایی است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۳/۲۲).

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت روشن شد که تمدن‌سازی و ایجاد تمدن نوین اسلامی یکی از راهبردهای مهم جامعه اسلامی برای رسیدن به اهداف آینده است. آیت‌الله خامنه‌ای، تمدن‌سازی، نه تنها امری ممکن، بلکه مهم‌ترین رسالت جامعه منتظر می‌داند و انقلاب اسلامی را از نمونه‌های روشن عینیت یافتن گام برداشتن در این راه می‌داند. از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، پروسه تمدن‌سازی، یک امر چندوجهی است که ایجاد، توسعه و استمرار آن، مستلزم بایسته‌هایی است که توجه به آن می‌تواند جامعه اسلامی را در ایجاد تمدن اسلامی و حرکت در این مسیر، یاری رساند. این بایسته‌ها در نگرش آیت‌الله

خامنه‌ای، در سه حوزه نگرش‌ها، رویکردها و اقدامات عملی قابل بررسی است. در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، نگرش همه‌جانبه به ساحت‌های وجودی انسان و نیازهای مختلف مادی و معنوی او، نگرش دینی و تفکر مکتبی در عرصه‌های تمدن‌سازی، الهام‌پذیری از الگوی تمدن مهدوی، نگاه آرمان‌گرایانه به فرایند تمدن، نگاه جهان‌شمول به پروسه تمدن‌سازی، نهاده‌سازی سبک زندگی اسلامی، نظام‌سازی و ایجاد ساختارهای قانونی، پرهیز از تقلید و خودباختگی در برابر فرهنگ و تمدن غرب، عدالت محوری، پیشرفت علمی و نرم‌افزاری، تقویت بنیان‌های اقتصادی جامعه و... برخی از مهم‌ترین الزامات تمدن‌سازی شمرده می‌شود.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن فارس، احمد بن زکریا. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲. احمدی، محمد مهدی. (۱۳۸۸). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: بوستان کتاب.
۳. امید، مهدی. (۱۳۹۷). تمدن نوین اسلامی بسترها و موانع تحقق. نشریه آموزشی اطلاع‌رسانی معارف. (۱۱۵)، قم: دانشگاه معارف اسلامی (نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها).
۴. انوری، حسن. (۱۳۸۲). فرهنگ بزرگ سخن (چاپ دوم). تهران: سخن.
۵. بستانی، فواد افرام. (۱۳۷۵). فرهنگ ابجدی عربی فارسی (مترجم: رضا مهیار، چاپ دوم). تهران: اسلامی.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۵۹). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۶). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۹). پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی .: برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>.
۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۰). سخنرانی در اجتماع مردم قم، در روز میلاد امام مهدی ۷. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>.
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۱). سخنرانی به مناسبت عید نیمه شعبان. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۲). بیانات در دیدار با «هیئت دولت». برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۳ الف). پیام به مناسبت حلول سال ۱۳۷۳ شمسی. برگرفته از:

- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۳ ب) بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۴ الف). بیانات در روز میلاد پر برکت حضرت ولی عصر علیه السلام. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۴ ب). سخنرانی برای اقشار مردم. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۵). بیانات در دیدار کارگزاران نظام. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۱۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۶). بیانات در دیدار جمعی از ایشارگران و خانواده‌های شهدا. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۸). بیانات در جشن بزرگ منتظران در روز ولادت امام مهدی علیه السلام. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۱۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۹ الف). بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۲۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۹ ب). بیانات در جمع پاسداران، دانشجویان و دانش‌آموزان. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۲۱. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۰ الف). بیانات در دیدار با جمعی از کارگزاران نظام. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۲۲. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۰ ب). بیانات در دیدار با مردم شاهرود. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>

۲۳. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۰ ج) بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلاّی تهران. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۲۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۲). بیانات در دیدار با اعضای بنیاد و مرکز تخصصی مهدویت. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>.
۲۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۳). بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان نظام. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۲۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۴ الف). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>.
۲۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۵). بیانات در دیدار با مردم شاهرود. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۲۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۷). دیدار با اقشار مختلف مردم در روز نیمه شعبان. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۲۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۹). خطبه نماز جمعه تهران در حرم امام خمینی. : برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۳۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۰ الف). بیانات در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) و مرکز تخصصی مهدویت قم. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۳۱. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۰ ب). سخنرانی برای اقشار مردم. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۳۲. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۱). بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۳۳. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۲ الف). بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>

۳۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۲ ب). بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور در مصالای امام خمینی؛ تهران. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۳۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۲ ج). بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم تهران. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۳۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۲ د). بیانات در دیدار با اساتید دانشگاه‌ها. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۳۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۴). بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، به مناسبت میلاد حضرت محمد ﷺ و امام صادق ﷺ. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۳۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۶). بیانات در دیدار پاسداران در دانشگاه افسری امام حسین ﷺ. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۳۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب، خطاب به ملت ایران، تهران: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۴۰. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰ ق). الصحاح. بیروت: دار العلم.
۴۱. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۴۱). لغتنامه دهخدا. تهران: گلشن.
۴۲. زبیدی الحسینی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴ ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفکر.
۴۳. طوسی، نصیرالدین. (۱۳۹۵). اخلاق ناصری. بی‌جا: فردوس.
۴۴. عمید، حسن. (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید. تهران: راه رشد.
۴۵. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ ق). کتاب العین (چاپ دوم). قم: هجرت.
۴۶. جمشیدی راد، محمدصادق و ادیب بهروز، محسن. (۱۳۹۸). الزامات و بایسته‌های تحقق تمدن نوین اسلامی بر مبنای سیره سیاسی پیامبر ﷺ. نشریه سیاست متعالیه. (۲۴). ص ۱۰۴.
۴۷. معین، محمد. (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی (چاپ هشتم). تهران: سپهر.
۴۸. مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلامی (<http://isin.ir/node/2106>).
۴۹. مهاجرانی، سیدعطاءالله. (۱۳۷۵). تمدن نوین اسلامی، فصلنامه راهبرد، (۱۲)، صص ۱-۶.
۵۰. نفیسی (ناظم الاطباء)، علی‌اکبر. (۱۳۵۵). فرهنگ نفیسی. تهران: کتاب‌فروشی خیام.